



Re-Creation of the Hadith Memories of the Companions Based on Halbwachs' Theory of Collective Memory; Case Study: The Hadith on the Non-Obligation of *Ghusl* (Full Ablution) for *Janābah* (Major Ritual Impurity)

Hadi Khajavi¹ , Valiolah Barzegar Kalishemi² , Fatemeh Ahmadvand³ ,

1. Corresponding Author, PhD Student, Department of History and Civilization of Islamic Nations, Faculty of Islamic Sciences and Research, Imam Khomeini International University (IKIU), Qazvin, Iran (Hadi.Khajavi1359@ut.ac.ir)

2. Assistant Professor, Department of History and Civilization of Islamic Nations, Faculty of Islamic Sciences and Research, Imam Khomeini International University (IKIU), Qazvin, Iran (barzegar@isr.ikiu.ac.ir)

3. Assistant Professor, Department of History and Civilization of Islamic Nations, Faculty of Islamic Sciences and Research, Imam Khomeini International University (IKIU), Qazvin, Iran (ahmadvand@isr.ikiu.ac.ir)

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received: 12 November 2024
Received in revised form:
17 February 2025
Accepted: 03 April 2025
Published online:
16 November 2025

Keywords:
Memory Dynamism,
Sociology of Memory,
Popular Memory,
Hadith Memories of the
Companions,
Memory Politics,
Halbwachs' Theory of
Collective Memory

ABSTRACT

The process and origin of Hadith formation have presented researchers with many questions. Today, sociological and psychological research can be utilized to aid Islamic studies. By evaluating Hadiths, a group of them can be considered the recounting of the Companions' memories of the Prophet (PBUH) after his passing. The memories of the Companions introduce categories such as the sociology of memory, the impact of society on the intersubjective construction of memories, and the functions of memory back into research. The Hadith memory is the re-creation of an action or behavior of the Prophet (PBUH) that was imprinted as a memory in the mind and memory of the witnesses. The mind stores this memory within the framework of an image and a social situation, and at the time of recall, it re-creates it based on the present, current needs, and in line with a social function. This research seeks to answer the question of how the process of re-creation of the Companions' memories within the framework of Hadith and the effective social components in its construction occurs, utilizing Maurice Halbwachs' theory of collective memory. The shared memories and experiences of the members of a society or group create the basis for the formation of collective memory. This research, in its historical approach, explains the idea of Hadith memories, the contexts of their formation, and analyzes the effective social elements in the construction of these memories. The case study of the Hadith "When one circumcised part passes the other circumcised part, *ghusl* is obligatory" within the framework of a memory has shown that concepts such as "Memory Politics", "Popular Memory", "Memory Dynamism", and "Continuity and Renewal" have played a role in the re-creation of this Hadith memory and the formation of collective memory.

Cite this article: khajavi, H., Barzegar Kalishemi, V. & Ahmadvand, F. (2025). Re-Creation of the Hadith Memories of the Companions Based on Halbwachs' Theory of Collective Memory; Case Study: The Hadith on the Non-Obligation of *Ghusl* (Full Ablution) for *Janābah* (Major Ritual Impurity). *Iranian Journal for the History of Islamic Civilization*, 58(1), 1-27.
DOI: 10.22059/jhic.2025.385019.654533



باز آفرینی خاطرات حدیثی صحابه بر اساس نظریه حافظه جمعی هالبواکس؛ مطالعه موردی حدیث عدم وجوب غسل جنابت

هادی خواجوی^۱✉، ولی‌اله برزگر کلیشمی^۲، فاطمه احمدوند^۳

۱. نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران. رایانامه: Hadi.Khajavi1359@ut.ac.ir
۲. استادیار، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران. رایانامه: v.barzegar@isr.ikiu.ac.ir
۳. استادیار، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران. رایانامه: ahmadvand@isr.ikiu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۳</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۱/۲۹</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۱۴</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۸/۲۵</p> <p>کلید واژه‌ها: پویایی حافظه، جامعه‌شناسی حافظه، حافظه عامه‌پسند، خاطرات حدیثی صحابه، سیاست حافظه، نظریه حافظه جمعی هالبواکس.</p>	<p>فرآیند شکل‌گیری حدیث و منشأ آن، پژوهشگران را با پرسش‌های بسیاری روبه‌رو کرده است. امروزه پژوهش‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناسی می‌تواند به عنوان باری گر مطالعات اسلامی مورد استفاده قرار گیرد. با ارزیابی احادیث، می‌توان گروهی از احادیث را بازگویی خاطرات صحابه از رسول خدا^(ص)، پس از رحلت ایشان، دانست. خاطرات صحابه، پای مقوله‌هایی، چون جامعه‌شناسی حافظه، تأثیرات جامعه بر ساخت بین‌الذہانی خاطرات و کارکردهای حافظه را به پژوهش باز می‌نماید. خاطره حدیثی، بازآفرینی رفتار یا فعلی از رسول^(ص) است که به عنوان خاطره‌ای در مغز و حافظه شاهدان نقش بسته است. مغز، این خاطره را در چهارچوب تصویر و موقعیتی اجتماعی ذخیره کرده است و در زمان یادآوری، آن را بر اساس اکنون، نیازمندی‌های امروزی و در راستای کارکردی اجتماعی بازآفرینی می‌کند. این پژوهش درصدد پاسخ‌گویی به چگونگی فرآیند بازآفرینی خاطرات صحابه در چهارچوب حدیث و مؤلفه‌های اجتماعی مؤثر در ساخت آن با بهره‌گیری از نظریه حافظه جمعی «موريس هالبواکس» است. خاطرات و تجربیات مشترک اعضای یک جامعه یا گروه، زمینه شکل‌گیری حافظه جمعی را به وجود می‌آورد. پژوهش حاضر، در رویکرد تاریخی خود به تبیین ایده خاطرات حدیثی، زمینه‌های شکل‌گیری آن و واکاوی عناصر اجتماعی مؤثر در ساخت خاطرات می‌پردازد. بررسی موردی حدیث «إِذَا جَاؤَزَ الْخِتَانُ، الْخِتَانُ فَقَدْ وَجَبَ الْغُسْلُ» در چهارچوب یک خاطره، نشان داده که مفاهیمی، چون «سیاست حافظه»، «حافظه عامه‌پسند»، «پویایی حافظه» و «تداوم و تجدد» در بازآفرینی این خاطره حدیثی و شکل‌گیری حافظه جمعی، نقش آفرینی کرده است.</p>

استناد: خواجوی، هادی؛ برزگر کلیشمی، ولی‌اله و احمدوند، فاطمه (۱۴۰۴). بازآفرینی خاطرات حدیثی صحابه بر اساس نظریه حافظه جمعی هالبواکس؛ مطالعه موردی حدیث عدم وجوب غسل جنابت. پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، ۱(۱)، ۱-۲۷.
DOI: 10.22059/jhic.2025.385019.654533



© نویسندگان.

DOI: 10.22059/jhic.2025.385019.654533

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

مقدمه

حدیث به عنوان یکی از میراث‌های اسلامی، در طول تاریخ اسلام همواره مورد توجه دانشمندان اسلامی قرار داشته است. با پیشرفت علوم اجتماعی در سده‌های اخیر، بهره‌گیری از این دانش‌ها در علوم حدیث مورد توجه قرار گرفت. در واقع متفکران اسلامی در رویکرد جدید با پرسشی با عنوان چستی حدیث مواجه شدند. در رویکرد سنتی، حدیث صرفاً سخنان رسول‌الله (ص) و امامان دانسته می‌شد، اما در رویکرد جدید توجه به بافت اجتماعی، اندیشه، ذهن و حافظه صحابه، تابعان و راویان، پرسش‌های زیادی را به وجود آورده است. در دیدگاه سنتی اهل سنت، نگارش حدیث مربوط به عصر نبوی و بعد از منع آن را به فرمان نگارش حدیث عمر بن عبدالعزیز (حک. ۹۹-۱۰۱ ق) وابسته می‌دانند. در همین راستا، دیدگاه سنتی شیعیان بر نگارش حدیث از عصر نبوی و طول سده اول تا عصر صادقین (تا ۱۴۸ ق) تأکید دارد. پژوهش‌های جدید با ارزیابی سنت آموزشی عرب و امکان نداشتن نگارش وسیع احادیث، انتقال حدیث در سده اول را ترکیبی از نقل شفاهی (نک. شولر، ۱۳۹۳ ش)، نقل به معنا (پاکتچی، ۱۳۹۴ ش) و یادداشت‌های حدیثی (نک. شولر، ۱۳۹۳ ش) می‌دانند. یکی از پژوهشگران، فرآیند شکل‌گیری حدیث را بازگویی خاطرات صحابه از رسول (ص) در عصر صحابه و تابعین می‌داند (پاکتچی، ۱۳۹۰: ۲۴). خاطرات صحابه از رسول (ص)، پای مقوله‌هایی چون جامعه‌شناسی حافظه^۱ و تأثیرات جامعه بر ساخت خاطرات را در این پژوهش بازمی‌نماید. در راستای پژوهش‌هایی که به ارزیابی نقش جامعه بر حافظه و یادآوری خاطرات پرداخته است، جامعه‌شناسی حافظه بر عوامل مؤثر گروهی و اجتماعی حافظه در انباشت داده، آگاهی، یادآوری، فراموشی و ظهور اجتماعی آن تأکید دارد. این گرایش بر کارکردهای اجتماعی و ساخت بین‌الذهانی^۲ حافظه متمرکز است. همان‌گونه که جامعه‌شناسی معرفت درصدد پاسخ‌گویی به نقش جامعه در ساخت و تعیین معرفت است (کنوبلاخ، ۱۴۰۰: ۲۱). جامعه‌شناسی حافظه به دنبال ترسیم نقش و کارکردهای اجتماعی حافظه در میان گروه‌ها از طریق ارزیابی خاطرات، یادبودها، یادآوری و فراموشی آن‌هاست (میزتال، ۱۳۹۹: ۱۴۵).

«موریس هالبواکس»^۳ با ارائه نظریه حافظه جمعی^۴ و حافظه تاریخی^۵، بر «بازآفرینی»^۶ گذشته به جای «یادآوری»^۷ عین واقعیت تأکید دارد. وی بازآفرینی گذشته را تلفیقی از گذشته و اکنون می‌داند (هالبواکس، ۱۹۹۲: ۹۹). بر اساس نظریه حافظه جمعی هالبواکس، بازآفرینی خاطرات و تجربیات مشترک اعضای گروه

1. Sociology of Memory
2. intersubjective
3. Maurice Halbwachs
4. Collective Memory
5. Historical Memory
6. Reconstruction
7. Remembering

در چهارچوب باورها، ارزش‌ها و منافع، تحت تأثیر نیازها، دغدغه‌های امروزی (همان، ۱۴۳) و کارکردهای گروهی است. اصولاً چیزی تحت عنوان یادآوری گذشته نداریم؛ بلکه گذشته همیشه بازآفرینی می‌شود.

یادآوری رویدادها از گذشته، باورها و ارزش‌های جمعی، اکنون و نیاز امروزی، بازآفرینی گذشته

واژه «بازآفرینی» در این تعریف به مشارکت و تأثیر ذهن، باورها، نیازهای امروزی (هالباکس، ۱۹۹۲: ۹۸) و منافع گروهی (کنوبلاخ، ۱۴۰۰: ۴۵۱) در فرآیند یادآوری گذشته تأکید دارد. خاطرات و تجربیات مشترک اعضای یک گروه، زمینه شکل‌گیری حافظه جمعی است (کنوبلاخ، ۱۴۰۰: ۴۵۱). حافظه جمعی بیان‌کننده تجربه زیسته و روزمره (فنترس و ویکام، ۱۹۹۲: ۲۵) و یک جریان تفکر ادامه‌دار و زنده است. حیات حافظه جمعی شدیداً وابسته به دوره معاصر و حیات کسانی است که تجربه مشترکی داشته‌اند (ریکور، تاریخ ۱۳۷۴: ۵۲). موضوع اصلی در حافظه جمعی، یادآوری و بازآفرینی یک تجربه و خاطره در چهارچوب اجتماعی گروه است. در تمیز حافظه تاریخی از حافظه جمعی، هالباکس حافظه تاریخی را حافظه منقول و یادگرفته‌شده و حافظه جمعی را حافظه زندگی شده توصیف می‌کند (کوزر، ۱۴۰۲: ۸۴). از همین‌روست که در حافظه تاریخی چیزی با نام فراخوانی خاطره وجود ندارد، بلکه یادآوری آموخته‌ها و تصاویر ذهنی است که در حافظه شکل گرفته است. هالباکس با طرح موقعیت دانش‌آموزی که تاریخ را فرا می‌گیرد، نشان می‌دهد که روزهای مهم، رویدادهای ویژه، بزرگداشت و ویژگی‌های شخصیت‌های مهم آموختنی است. همان‌طور که در جامعه به‌ازای هر گروه و قومیتی حافظه‌های جمعی گوناگون وجود دارد، به‌ازای روایت‌های تاریخی^۱ مختلف که در حافظه گروه‌ها جای گرفته و تصویرسازی شده است حافظه‌های تاریخی متعددی می‌تواند پا به عرصه ظهور بگذارد، اما تا یک روایت تاریخی در حافظه گروه‌ها یا جامعه جای نگیرد، صحبت از حافظه تاریخی بی‌معناست. بر همین اساس در هر گروه یا جامعه منسجمی، صرفاً می‌توان از یک حافظه تاریخی هم‌مون^۲ صحبت کرد؛ روایتی که رقیب بلامنازع روایت‌های تاریخی دیگر است و از طریق ابزارهای مختلفی، همچون نظام سیاسی، یادمان‌ها، نظام فرهنگی، نظام آموزشی و... سلطه خود را حفظ کند. زمانی که روایت تاریخی، آثار باستانی، یادمان‌ها، داستان‌ها و اساطیر، مواد تاریخی را در یک چهارچوب اجتماعی در ذهن اعضای جامعه تصویرسازی کرد، حافظه تاریخی شکل گرفته است (فکوهی، پرسش و پاسخ ایمیلی).

۱. در تاریخ فرهنگی و نظریات پساآنال، وجود روایت‌های تاریخی متفاوت پذیرفته شده است؛ بدین‌معنا که هر روایت تاریخی می‌تواند متناسب با موقعیت و تجربه‌ای که حاصل آن بوده، واقعیت را به‌گونه‌ای خاص ترسیم کند (فکوهی، حافظه تاریخی، روزنامه اعتماد، ۵ آبان ۱۳۹۴).

۲. اشاره به نظریه هم‌مونی (Hegemony) آنتونیو گرامشی (Antonio Gramsci) دارد. در واقع، این نظریه درصدد تبیین فرادستی حکومت، طبقه یا گروه خاصی از نظر سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ایدئولوژیک است.

حافظه جمعی بر تجربه‌های درون زندگی گروه تأکید دارد؛ در حالی که حافظه تاریخی، پدیده‌ای در خارج از زندگی زیسته و روزمره گروه است. در یک فرآیند کارکردگرا، حافظه جمعی و تاریخی در حال مبادله دوطرفه مفاهیم، عناصر، باورها و ارزش‌ها در چهارچوب هویت و منافع گروه یا جامعه هستند. در این غنی‌سازی حافظه تاریخی، حافظه تاریخی باید در راستای کارکردهای اجتماعی خود بتواند پاسخی برای مشکلات و دغدغه کنونی جامعه ارائه دهد. هالبواکس دل‌مشغولی‌های امروزی را سبب برساخت اجتماعی تاریخ توصیف می‌کند (هالبواکس، ۲۰۲۲: ۱۴۶).

این پژوهش، درصدد پاسخ‌گویی به چگونگی فرآیند بازآفرینی خاطرات صحابه در چهارچوب حدیث و مؤلفه‌های اجتماعی مؤثر در ساخت آن با بهره‌گیری از نظریه حافظه جمعی و تاریخی موریس هالبواکس است. احمد پانته‌چی در کتاب تاریخ حدیث با تبیین سبک تبلیغی رسول خدا^(ص) در مدینه و نگارش نیافتن احادیث در زمان ایشان، منشأ شکل‌گیری احادیث را بعد از رسول^(ص) در قالب خاطرات صحابه می‌داند. ابراهیم موسی‌پور بشلی در کتاب رهیافت به فرد و داده‌های فردی در مطالعات تاریخ اجتماعی، به نقش حافظه و تأثیر اجتماع در ساخت روایت‌های تاریخی توجه نموده است. «باربارا میزتال»^۱ در کتاب درآمدی بر جامعه‌شناسی حافظه^۲ به تبیین ویژگی‌ها و کاستی‌های نظریه هالبواکس و دیگر دیدگاه‌های مهم جامعه‌شناسی حافظه^۳، همچون سیاست حافظه، پویایی حافظه و حافظه عامه‌پسند پرداخته است. «اریک هابزبام»^۴ و «ترنس رنجر»^۵ در کتاب *بداع سنت*^۶ با مطرح کردن سیاست حافظه، بر نقش قدرت در ساخت حافظه از بالا به پایین اشاره دارد. «لوئیس آلفرد کوزر»^۷ در کتاب *موریس هالبواکس و حافظه جمعی* به معرفی زندگی، آثار و نظریه حافظه جمعی و حافظه تاریخی هالبواکس پرداخته است. همچنین مقالاتی، چون «حافظه جمعی قبل و بعد از هالبواکس»^۸، «حافظه جمعی و هویت فرهنگی»^۹، «هویت و حافظه جمعی»^{۱۰}، «حافظه جمعی و هویت ایرانی»^{۱۱} و «جامعه‌شناسی حافظه جمعی»^{۱۲} به مقوله حافظه جمعی

1. Barbara Misztal

2. Theories of Social Remembering

3. Sociology of Memory

4. Eric Hobsbawm

5. Terence Ranger

6. *The Invention of Tradition*

7. Lewis Alfred Coser

8. Collective Memory before and after Halbwachs, Nicolas Russell

9. Collective Memory and Cultural Identity, Jan Assmann, No. 65, Cultural History/Cultural Studies (Spring - Summer, 1995), 125-133.

۱۰. مهرداد نورایی (۱۳۸۳). *نشریه اطلاعات سیاسی و اقتصادی*.

۱۱. محمد مهدی فرزید، احمد رضایی و حیدر جانعلی‌زاده چوبدستی (۱۳۹۶).

۱۲. حیدر جان‌علی‌زاده چوبدستی، اکبر علیوردی‌نیا و محمد مهدی فرزید (۱۳۹۶). *نشریه راهبرد فرهنگ*.

پرداخته است. «مایکل محمدنایت»^۱ در کتاب محمد کیست: ذهنیت و حافظه جمعی ما از آخرین پیامبر اسلام^۲، به داستان مسلمان شدن خود در نوجوانی و ذهنیت جامعه نسبت به پیامبر اسلام^(ص) پرداخته است. آنتوان بورت^۳ در مقاله «یادآوری کربلا»^۴ به اهمیت کربلا در شکل‌گیری هویت و حافظه جمعی مسلمانان در قرون متقدم پرداخته است. در عین حال، پژوهش‌های انجام‌شده در موضوع حافظه جمعی مسلمانان در قرون متقدم، بسیار نادر است.

این پژوهش، در رویکرد تاریخی خود، به ارائه شواهدی که سبب شکل‌گیری ایده خاطرات حدیثی شده است با عنوان «جایگاه نگارش در عصر بعثت» و «سبک تبلیغی رسول خدا^(ص)» می‌پردازد. در پاسخ به منشأ حدیث، به تبیین ایده خاطرات حدیثی و واکاوی عناصر اجتماعی مؤثر در ساخت خاطرات حدیثی بر اساس جامعه‌شناسی حافظه و نظریه حافظه جمعی هالباکس بر اساس یک نمونه از خاطرات حدیثی اهتمام دارد.

زمینه‌های شکل‌گیری احادیث

الف) جایگاه نگارش در عصر بعثت

بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که کارکرد نگارش و کتابت در بافت اجتماعی و فرهنگی مکه و مدینه به اسناد، دیون و تعهدنامه‌ها محدود است؛ به‌گونه‌ای که جوادعلی (بی‌تا: ۱۴/۱۵۴) «التکاتب و المکاتبه» را عقدی شناخته‌شده در جاهلیت می‌داند که بر اساس آن بنده به‌ازای پرداخت مبلغ معینی آزاد می‌شد. همچنین از کاربردهای ریشه «ک ت ب» در قرآن می‌توان به مسئله آزادسازی بندگان (نور: ۳۳) و نگارش دیون (بقره: ۲۸۲) اشاره کرد. مواردی هم از کتابت برای اعطای مالکیت زمین در بعضی از وفدها از طرف رسول خدا^(ص) در طبقات ابن سعد وجود دارد^۵ (ابن سعد، ۱۹۶۸: ۱/۳۰۳). سنت آموزشی عرب روشی مبتنی بر آموزش سینه‌به‌سینه و انسان محور^۶ در موضوعاتی چون انساب (نک. نجفی، ۱۳۸۲ش)، انواع (جوادعلی،

1. Michael Muhammad Knight
2. *Who is Muhammad: Subjectivity and our Collective Memory of the last Messenger in Islam*
3. Antoine Borrut (2015). *Jerusalem Studies in Arabic and Islam*, 42, 82-249.
4. Remembering Karbalā': The Construction of an Early Islamic Site of Memory.
5. وَقَدْ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الرَّقَادُ بْنُ عَمْرٍو بْنِ رَبِيعَةَ بْنِ جَدَّةَ بْنِ كَعْبٍ وَأَعْطَاهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالْقَلْبِ ضَيْعَةً وَكَتَبَ لَهُ كِتَابًا وَهُوَ عِنْدَهُمْ.
6. Anthropocenterist Educational System

بی‌تا: ۱۶ / ۶۵)، آیام‌العرب، شعر، خطبه و قیافه^۱ (جوادعلی، بی‌تا: ۱۲ / ۳۵۰) و از این قبیل بود.^۲ در این سنت آموزشی، نگارش در راستای توسعه و حفظ دانش، کارکردی نداشته و توجه به دانش‌های عقلی و انتزاعی بسیار محدود است. دانش صرفاً بر چیزی حمل می‌شد که در بافت اجتماعی و جغرافیای حجاز منفعتی برای بقای انسان و نظم قبیلگی داشته باشد. همانند اینکه افراد آگاه به نسب‌ها «علامه و علام»^۳ (جوادعلی، بی‌تا: ۱۵ / ۳۱۳) و کسانی که توانایی نگارش اسناد و تعهدنامه‌ها را داشتند، «عالم»^۴ نامیده می‌شدند (جوادعلی، بی‌تا: ۱۵ / ۳۱۴). همچنین پژوهش‌های شوقی ضیف، مشخص نمود که اشعار در عصر جاهلی کتابت نمی‌شد و آویزان نمودن اشعار در کعبه تحت عنوان «معلقات سبعة» افسانه‌ای بیش نبوده است^۵ (نک. ضیف، ۱۳۹۳ش). جدای از اینکه دسترسی به نوشت‌افزار در حجاز سخت و گران بود، در موارد زیادی برای استفاده مجدد از صحیفه‌ها، نوشته قبلی را با آب شست‌وشو می‌دادند (جوادعلی، بی‌تا: ۱۰ / ۲۸۴). در نهایت اگر روایاتی که بیانگر کتابت بعضی از آیات قرآن روی ادواتی چون عُسْب، لِحاف، رُقاع، اضلاع و... را بپذیریم (بخاری، ۱۴۲۲: ۶ / ۷۱)، تمام شواهد مؤید این مسئله است که قرآن، بعد از رسول‌الله (ص) به صورت یک مصحف درآمد است^۶ (شولر، ۱۳۹۳: ۲۵۸). در عین حال که گروهی همچنان بر نگهداری قرآن در قلوب و صدور مومنین بدون اعتماد داشتند^۷ (زرقانی، بی‌تا: ۱ / ۲۴۲)، استفاده از نگارش مربوط به حدود ۵۰ سال قبل از بعثت رسول‌الله (ص) در مکه و تحت تأثیر رواج تجارت در میان قریش و نیاز به کتابت تعهدات و اسناد تجاری قرار داشته است^۸ (جوادعلی، بی‌تا: ۷ / ۲۷۹). مواردی چون محدودیت‌های

۱. القیافه: يقصد به التنبؤ والإخبار عن شيء بتتبع الأثر والشبه وتدخل في ذلك قیافه آثار الأقدام والأخفاف والحوافر للاستدلال بها على أصحابها، وتعيين النسب في حالة الشك فيه.

۲. نظام آموزشی انسان‌محور به این معناست که دانش به جهت منشأ از تجربه زیست انسانی کسب می‌شود و مبتنی بر انتقال مهارت به نسل‌های مختلف در زیست‌بوم طبیعی است. در زندگی بدوی و صحرائی عرب، اصولاً مهارت‌های بقا و حیات اجتماعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این مکانیزم آموزشی با استفاده از ضرب‌المثل‌ها، کلمات قصار و تجربیات درصدد به وجود آوردن مهارت‌های مفید در جامعه بدوی است (نک. روحی و همکاران، بی‌جوبی مؤلفه‌های مفهوم جهانی حکمت در مفهوم قرآنی، ۱۳۹۷).

۳. و ذکر علماء اللغة أن "العلامه والعلام: النسابه، و يظهر أنهم إنما قالوا ذلك، بسبب أن النسب كان عند الجهالین من أهم علومهم.

۴. وترد لفظه «الکاتب» بمعنى العالم. قال الله تعالى: أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُمُونَ. ای يعلمون.

۵. برحسب نظر شوقی ضیف «معلقات» به گفته جاحظ به معنای «مقلدات» یا «مسمطات» به معنای گردنبندها بوده است. ابن‌النحاس افسانه مورد بحث را با این عبارت نفی کرده است: «اینکه در افواه مشهور است که آن اشعار بر کعبه آویخته بوده، ثابت و صحیح نیست».

۶. قبض النبى و لم يكن القرآن جمع في شيء؛ ان القرآن كان على عهد النبى متفرقا في صدور الرجال و هو غير مجموع.

۷. قال المحقق ابن الجزرى: ثم إن الاعتماد في نقل القرآن على حفظ القلوب و الصدور لا على خط المصاحف و الكتب.

۸. با مسدودسازی راه تجاری ابریشم از سوی انوشیروان، پادشاه ایران، بی‌زانس درصدد بهره‌گیری از راه بری کناره دریای سرخ برای تجارت و رساندن کالا از جنوب به شمال برآمد. در این زمان است که اهتمام به کتابت برای امورات تجار میان قریش رواج می‌یابد.

خط عربی و عدم تکامل آن^۱ (حیدری نژاد و جان احمدی، ۱۳۹۸: ۵۶)، گرانی و نایابی ادوات نگارش، سنت آموزشی سینه‌به‌سینه و شیوه تبلیغی رسول خدا(ص)، حدیث پژوهان را با سؤالاتی حول چگونگی شیوه انتقال حدیث روبه‌رو کرده است.

ب) سبک تبلیغی رسول خدا(ص)

سبک تبلیغی رسول خدا(ص) بر اساس الگوی آموزشی انسان‌محور بود. رسول خدا(ص) در مدینه در حال زندگی کردن با مردم بود. در واقع پیامبر(ص) برای تبلیغ و تربیت، مجلس درس تشکیل نمی‌داد که شاگردان یا صحابه با دفتر و قلم حاضر شوند، بلکه با مردم زندگی می‌کردند، غذا می‌خوردند، به مسجد و جنگ می‌رفتند، روابط دوستانه و خانوادگی برقرار می‌کردند و در این میان به ابلاغ آیات الهی و تربیت نیز اهتمام داشتند (پاکتچی، ۱۳۹۰: ۲۰۷). در این جامعه، فرهنگ نگارش دانش و سخنان افراد وجود نداشت^۲ (پاکتچی، ۱۳۹۰: ۲۰۳). محوریت سبک تبلیغی رسول خدا(ص)، بر حفظ و قرائت قرآن قرار داشت؛ به‌گونه‌ای که ایشان بعد از نزول وحی به آموزش قرآن به‌صورت ده آیه، ده آیه به اصحاب اقدام می‌کردند^۳ (ذهبی، ۱۳۹۸ق: ۱/ ۴۱). ایشان در مواردی قاریان و کاتبان را صدا زده و آیات قرآن را بر آن‌ها قرائت و تبیین می‌کردند^۴ (بخاری، ۱۴۲۲ق: ۴/ ۲۴). در نهایت، برای تبلیغ و ترویج اسلام قاریان را به شهرها و قبیله‌ها اعزام می‌کردند؛ از نمونه‌های آن می‌توان به اعزام مُصعب بن عمیر (م ۳ق) به مدینه قبل از هجرت، مُعَاذ بن جبل خزرجی (م ۱۸ق) به مکه بعد از فتح آن (زرقانی، بی تا: ۱/ ۲۴۲)، ابو عبیده جراح (م ۱۸ق) به یمن^۵ (ابن سعد، ۱۹۶۸: ۳/ ۴۱۱)، عمرو بن حزم انصاری خزرجی (م ۵۴ق) به نجران (ابن سعد، ۱۹۶۸: ۱/ ۲۶۴) اشاره کرد. همچنین در وفدها درخواست قبایل مبنی بر اعزام قاری قرآن قرار داشت؛ به‌گونه‌ای که قبیله عَضَل و القاره از رسول خدا(ص) درخواست می‌کنند، شخصی را برای «یَفْقَهُونَا فِی الدِّینِ وَ یَقْرَءُونَنا الْقُرْآنَ» (طبری، ۱۳۸۷ق: ۲/ ۵۳۸) اعزام نماید. بر این اساس، می‌توان به راحتی محوریت قرآن را در روش تبلیغی رسول خدا(ص) دریافت. از اخباری که به‌صورت غیرمستقیم گزارش‌هایی را از شیوه و سبک تبلیغی رسول خدا(ص) ارائه می‌دهند، شواهدی از تأکید بر سخنان ایشان به عنوان حدیث در عصر نبوی یافت نمی‌شود؛ به‌گونه‌ای که بیشتر آموزش‌های رسول خدا(ص) در مدینه با محوریت قرآن و فهم آن بود و الزامی برای ثبت

۱. خط عربی وام‌دار خط‌های آرامی، پهلوی، سریانی، نبطی و حمیری است.

۲. البته گزارش‌هایی در کتابت و نگارش سخنان علی بن ابی‌طالب(ع) وجود دارد؛ ولی این مسئله در میان صحابه عمومیت ندارد.

۳. عن عثمان و ابن مسعود و غیرهما من أنهما من أنهم كانوا إذا تعلموا من النبي(ص) عشر آيات من القرآن لم يجاوزوها حتى يتعلموا ما فيها.

۴. لَمَّا نَزَلَتْ «لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ» دَعَا رَسُولُ اللَّهِ(ص) زَيْدًا، فَجَاءَ بِكَيْفٍ فَكَتَبَهَا.

۵. ان اهل اليمن لما قدموا على رسول الله(ص) سالوه ان يبعث معهم رجلا يعلمهم السنه و الإسلام.

و ضبط سخن رسول‌الله (ص) در تبلیغ و ترویج اسلام وجود نداشت. در خبری از عباده بن صامت (م. ۳۴ق) آمده است که هرگاه شخصی وارد مدینه می‌شد، رسول خدا (ص) وی را به یکی از قاریان می‌سپرد تا قرآن به وی آموزش داده شود^۱ (احمد، ۱۴۲۱ق: ۳۷/۴۲۶). در واقع کتابت در عصر نبوی، امر رایجی نبوده است و صرفاً به تعهدات و دیون محدود بود. همچنان که ادوات نگارش در دسترس نبود، تعداد افراد باسواد کم بود و عرب اشعار، خطبه‌ها، انساب و قس‌علی‌هذا را نوشتنی نمی‌دانست. با تمام اهمیتی که کتابت وحی داشت، بافت اجتماعی جامعه حجاز برای نگارش تمام آیات قرآن مساعد نبود. این مسئله در موضوع حدیث، بسیار جدی‌تر است، به‌گونه‌ای که بافت تاریخی عصر نبوی با کتابت حدیث هم‌خوانی ندارد. درنهایت، پژوهش‌های شولر^۲ و شیوه تاریخ‌گذاری وی از احادیث، توانست اثبات کند که احادیث توصیه و منع کتابت در بافت اجتماعی، اواخر سده اول و سده دوم به وجود آمده است (شولر، ۱۳۹۳: ۲۰۰-۲۵۰). اگر بتوان نگارش حدیث را به صورت موردی و محدود پذیرفت، این امر مربوط به دوران بعد از عصر نبوی، یعنی دوره خلفای چهارگانه و سکان‌داری صغار صحابه، تابعین و اتباع آنهاست (از سال ۱۱ق). این پژوهش، درصدد اثبات نگارش نیافتن احادیث عصر نبوی نیست، حتی با پذیرش نگارش محدود احادیث در عصر نبوی، پرسش اصلی پژوهش به قوت خود باقی است.

ج) ایده خاطرات حدیثی پاکتچی

بر اساس مباحثی که گذشت، زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی حجاز برای نگارش، به‌ویژه کتابت احادیث مساعد نبود. یکی از پژوهش‌گران در رویارویی با این پدیده، شیوه انتقال احادیث از عصر نبوی به دوره صحابه و تابعان را بیان خاطرات رسول خدا (ص) تحت عنوان احادیث می‌داند (پاکتچی، ۱۳۹۳: ۲۴). خاطره حدیثی، یادآوری و بازآفرینی رفتار و فعلی از رسول (ص) است که به عنوان یک خاطره در مغز و حافظه شاهدان نقش بسته است. مغز این خاطره را در چهارچوب یک تصویر و موقعیت اجتماعی ذخیره نموده است نه در چهارچوب یک کلام. در واقع در خاطره حدیثی، راوی و مخاطب در حال تبادل تصویری از زندگی رسول (ص) هستند، تصویری که زمینه‌های اجتماعی نیز به آن پیوست شده است؛ به‌گونه‌ای که در موقعیت‌های اجتماعی اکنون، قابلیت یادآوری و انتساب به رسول (ص) را دارد. بسیاری از مواد تاریخی، ماندگاری خود را بدون ادوات نگارش، مدیون خاطرات هستند؛ به‌گونه‌ای که سیره نیز تقدس و ماندگاری خود را وام‌دار خاطرات و تصویرسازی زندگی رسول (ص) است. تصویرسازی و بازنمایی رفتار و عمل ایشان در یک موقعیت اجتماعی، اثرگذاری سیره را نسبت به سبک‌های نگارشی دیگر دوچندان کرده است. تا

۱. كان الرجل إذا هاجر دفعه النبي (ص) إلى رجل منا يعلمه القرآن.

زمانی که نتوان نقل به لفظ حدیثی را اثبات کرد، همچنان می‌توان احادیث را گونه‌ای از خاطرات و نقل به معنا دانست. در این حالت، شاهد در حال بازسازی شنیده‌ها و مشاهدات خود بر اساس گفتمان‌های عصری، کلمات و واژگان رایج آن عصر است.

ابزار خاطره، حافظه است. حافظه در جوامع دارای سنت آموزشی شفاهی - جوامعی که خط ندارند و کتابت مرسوم نیست - از اهمیت مطلق و بلامنازع برخوردار است (کنوبلاخ، ۱۴۰۰: ۴۵۵). حشرونشر صحابه با پیامبر اسلام (ص) در زندگی روزمره، سختی‌های دعوت، شکنجه‌ها، هجرت، ساخت مسجد، نمازهای جماعت، ماه رمضان، جنگ‌ها، تقسیم غنایم، ملاقات‌های خصوصی و عمومی، روابط دوستانه و خانوادگی، رویدادهایی چون مباحله، بیعت شجره، حجه الوداع و... سبب شکل‌گیری خاطرات مختلفی از ایشان در ذهن صحابه می‌شد. همچنین آن‌ها، خاطراتی از پیامبر (ص)، مربوط به امور روزمره زندگی، داشتند که در مواردی ارتباطی هم به تبیین اسلام نداشت (پاکتچی، ۱۳۹۳: ۲۰۸). صحابه در هم‌زیستی و مصاحبت با رسول (ص) بدون این خودآگاهی بودند که بعد از فوت، سخنان و خاطرات ایشان ارزشمند خواهد شد (پاکتچی، ۱۳۹۳: ۲۰۹). پس از رسول (ص) و تحت تأثیر تحولات اجتماعی مختلف، از جمله فتوحات و ورود اقوام دیگر در جامعه اسلامی، صحابه در جایگاه تنها مرجع صلاحیت‌دار حل مسائل اجتماعی قرار گرفتند (خواجوی و همکاران، ۱۴۰۲: ۳۱۴). در فرآیند تحولات فرهنگی و رویارویی با مسائل اجتماعی، خاطراتی از سوی صحابه (یکی از نمونه‌های خاطرات حدیثی نک. اسپیت، ۱۳۹۴ ش)^۲ از رسول (ص) برای حل مشکلات بیان می‌شد (پاکتچی، ۱۳۹۳: ۲۱۰). گاهی هم فراخوانی خاطرات در راستای حل مشکل خاصی نبود و کارکردی در راستای تعلق خاطر به پیامبر، ایجاد هویت اسلامی، تقدیس و ترسیم شخصیتی فرانسانی (نک. بختیاری و حضرتی، ۱۴۰۲ ش) از ایشان قرار داشت. همانند اینکه یکی از صحابه در زمان غذا، شیوه تناول پیامبر را یادآوری و برای حاضران شرح می‌داد^۳ (عسقلانی، ۱۹۷۱: ۲۲/۲). البته یادآوری خاطرات صرفاً به اعمال و رفتار مربوط نبود و سخنان ایشان هم یادآوری می‌شد. این فرآیند برای کسانی که رسول (ص) را ندیده بودند، به‌ویژه در میان تابعان، بسیار جالب و جذاب بود. در این حالت، تابعان این خاطره را تحت عنوان یک حدیث یا سنت نبوی تلقی می‌کردند (پاکتچی، ۱۳۹۳: ۲۰۷).

۱. گفتمان (Discours) نوعی قرارداد اجتماعی نانوشته است که بسترهای ارتباطی را فراهم می‌کند. در واقع، معانی و مفاهیم نه از زبان گفتاری، بلکه از درون ارتباطات اجتماعی و سیاسی افراد با یکدیگر حاصل می‌شود. در گفتمان، مجموع پیش‌فرض‌های ارتباطی در یک جامعه یا منطقه جغرافیایی یا یک رشته علمی تحت تأثیر زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به وجود می‌آید. این پیش‌فرض‌ها به‌صورت ناخودآگاه در شکل‌گیری ارتباط و فهم معانی و مفاهیم تأثیر دارد.

2. R. Marston Speight, The Will of Sa'd b. a. Waqqās: the Growth of a Tradition.

۳. ان رسول الله کان یحمدالله بین کل لقمتهین.

خاطرات حدیثی و حافظه جمعی

در قسمت‌های گذشته به ارزیابی مفهوم و فرآیند خاطرات حدیثی، تفاوت یادآوری و بازآفرینی خاطرات و مکانیزم‌های حافظه جمعی در جامعه‌شناسی حافظه پرداخته شد. در این بخش به بررسی موردی یک خاطره حدیثی از جوامع حدیثی متقدم پرداخته می‌شود.

واکاوی حدیث «إِذَا جَاوَزَ الْخِتَانَ»

حدیث «إِذَا جَاوَزَ الْخِتَانَ فَغَدَّ وَجِبَ الْغُسْلُ» (مصنف بن ابی‌شیبه، ۱۴۰۹ق: ۱/ ۸۶) یکی از احادیثی است که درصدد تصویرسازی یک‌خاطره از رسول (ص) و بازآفرینی گذشته می‌باشد. موضوع آن اختلاف‌نظر بین مسلمانان در وجوب غسل جنابت در زمان دخول و بدون انزال است. متن حدیث بدین قرار است:

۱. رَفَاعَةُ بْنُ رَافِعٍ [خَزْرَجِي] قَالَ: بَيْنَا أَنَا وَعِنْدَ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ رَجُلٌ (احتمالاً از مهاجران

است) فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ هَذَا زَيْدُ بْنُ نَابِتٍ [خَزْرَجِي] يُفْتِي النَّاسَ فِي الْمَسْجِدِ بِرَأْيِهِ فِي الْغُسْلِ مِنَ الْجَنَابَةِ (این مرد معترض به رای زید است).

۲. فَقَالَ عُمَرُ: عَلَيَّ بِهِ، فَجَاءَ زَيْدٌ فَلَمَّا رَأَاهُ عُمَرُ قَالَ: أَيُّ عَدُوِّ نَفْسِيهِ، قَدْ بَلَغْتَ أَنْ تُفْتِيَ النَّاسَ بِرَأْيِكَ.

۳. فَقَالَ [زَيْدٌ] يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ بِاللَّهِ مَا فَعَلْتُ، لَكِنِّي سَمِعْتُ مِنْ أَعْمَامِي حَدِيثًا فَحَدَّثْتُ بِهِ مِنْ أَبِي أَيُّوبَ [خَزْرَجِي]، وَ أَبِي بِنِ كَعْبٍ [خَزْرَجِي]، مِنْ رَفَاعَةَ بْنِ رَافِعٍ.

۴. فَأَقْبَلَ عُمَرُ عَلَيَّ رَفَاعَةَ بْنَ رَافِعٍ [خَزْرَجِي] فَقَالَ: وَقَدْ كُنْتُمْ تَفْعَلُونَ ذَلِكَ عَلَيَّ عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ (ص).

۵. [قال رفاعه] فلم يأتنا من الله فيه تحريم، ولم يكن من رسول الله فيه نهى، قال ورسول الله: «يعلم ذلك؟» قال: لا أدري.

۶. فَأَمَرَ عُمَرُ بِجَمْعِ الْمُهَاجِرِينَ، وَالْأَنْصَارِ فَجَمِعُوا لَهُ فَشَاوَرَهُمْ فَأَشَارَ النَّاسُ أَنْ لَا يُغْسَلَ فِي ذَلِكَ، إِلَّا مَا كَانَ مِنْ مَعَاذٍ [خَزْرَجِي]، وَعَلِيٌّ [فِرْزَنْدِ ابِوطَالِبِ] فَإِنَّهُمَا قَالَا: «إِذَا جَاوَزَ الْخِتَانَ فَغَدَّ وَجِبَ الْغُسْلُ».

۷. فَقَالَ عُمَرُ: هَذَا وَ أَنْتُمْ أَصْحَابُ بَدْرِ قَدْ اخْتَلَفْتُمْ فَمِنْ بَعْدِكُمْ أَشَدُّ اخْتِلَافًا.

۸. فَقَالَ عَلِيٌّ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ أَعْلَمَ بِهَذَا مِنْ شَأْنِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) مِنْ أَرْوَاجِهِ.

۹. فَأَرْسَلَ إِلَيَّ حَفْصَةَ فَقَالَتْ: لَا عَلِمَ لِي بِهَذَا.

۱۰. فَأَرْسَلَ إِلَيَّ عَائِشَةَ فَقَالَتْ: «إِذَا جَاوَزَ الْخِتَانَ فَغَدَّ وَجِبَ الْغُسْلُ».

۱۱. فَقَالَ [عمر]: لَا أَسْمَعُ بِرَجُلٍ فَعَلَ ذَلِكَ إِلَّا أَوْجَعْتُهُ ضَرْبًا.^۱

راوی اطلاعاتی از مکان شکل‌گیری نزاع ارائه نمی‌دهد، اما به نظر می‌رسد، این مناقشه در مسجد بین مردی از مهاجران و زید بن ثابت (م. ۴۵ق) به وجود آمده است. مردی حکم زید (عدم وجوب غسل بدون انزال) را برخلاف سنت رسول (ص) می‌داند و اعتراض خود را نزد خلیفه دوم می‌برد. مسلماً این شخص، فرد شناخته‌شده‌ای نیست و مصاحبت رسول (ص) را درک نکرده است؛ زیرا سیاق روایت بر ذکر نام افراد شاخص تأکید دارد. وی در رویکردی اکنون‌گرا^۲ در عصر خلیفه دوم نسبت به رای زید، اعتراض دارد، بدون اینکه بر حجتی از جانب خود، مبنی بر رفتار و سنت رسول استناد نماید. شاید شرح مفصل کشمکش این خاطره از دیدگاه راوی، کارکردی اجتماعی نداشته است؛ از این رو غافلگیرانه مخاطب را با اعتراض یک شخص به فتوای زید بن ثابت مواجه کرده است. بر اساس نظریه‌های جامعه‌شناسی حافظه، کارکردهای اجتماعی خاطرات نقشی اساسی را در ماندگاری آن‌ها بازی می‌کنند (میزتال، ۱۳۹۹: ۱۴۵). در واکنشی خلیفه دوم بدون هیچ‌گونه حرفی فرمان احضار زید را صادر می‌کند و وی را توبیخ می‌کند (بند ۲). صدور فرمان احضار زید انگاره موافقت خلیفه دوم با اعتراض مرد و مخالفت با رای زید را در مخاطب به وجود می‌آورد. بی‌گمان اگر خلیفه دوم با نظر زید موافق بود به احضار و عتاب وی نیازی نبود. در همین مرحله، می‌توان با شواهدی چون «أَيُّ عَدُوِّ نَفْسِهِ» و «قَدْ بَلَغْتَ أَنْ تُفْتِيَ النَّاسَ بِرَأْيِكَ» مخالفت خلیفه دوم با رای زید را دریافت و نتیجه نهایی و نظر وی را حدس زد. با دخول به اندازه‌ی ختنه‌گاه، حتی بدون انزال هم غسل واجب می‌شود، اما راوی به دنبال ارائه‌ی روایتی یکپارچه داستانی است (شوارتز، ۲۰۰۰: ۳۰۲). روایتی که با بهره‌گیری از تعلیل عناصر و حذف داده‌های غیر کاربردی، به صورت منسجم باورپذیری خاطره را افزایش دهد. جدای از اینکه این دلایل واقعی باشند یا مقتضی روایت داستانی یا تحت تأثیر باورها و منافع گروه. مغز راوی و

۱. موضوع این است که مردی نزد خلیفه دوم می‌رود و بر فتوای زید مبنی بر عدم وجوب غسل جنابت (بدون انزال) اعتراض می‌کند. خلیفه دوم زید را احضار و وی را به سبب این فتوا مورد عتاب قرار می‌دهد. زید بن ثابت تصریح می‌کند که بر اساس نظر شخصی فتوا نداده است و این حکم را از ابویوب، ابی بن کعب و رفاعه بن رافع شنیده است. خلیفه دوم سراغ رفاعه می‌رود و سؤال می‌کند که آیا در زمان رسول خدا این گونه عمل می‌کردند؟ رفاعه می‌گوید از جانب خدا و رسول نهی بر این امر نبوده است. خلیفه دوم سؤال می‌کند که رسول خدا بر این گونه عمل کردن آگاهی داشته است؟ در این زمان رفاعه اظهار بی‌اطلاعی می‌نماید. پس خلیفه دوم از مهاجران و انصار سؤال می‌کند و همگی رای زید را تأیید می‌کنند، به غیر از معاذ بن جبل و علی بن ابی‌طالب. خلیفه دوم از این اختلافات نگران است. لذا علی بن ابی‌طالب پیشنهاد می‌دهد که داناترین افراد به این گونه مسائل همسران رسول خدا هستند. به سراغ حفصه می‌روند، وی اظهار بی‌اطلاعی می‌کند. در نهایت، عایشه برخلاف زید، غسل جنابت در زمان همبستری، ولو بدون انزال، را واجب توصیف می‌کند. در پایان خلیفه دوم متخلفان از این حکم را تهدید به مجازات می‌نماید.

۲. اکنون‌گرایی ناظر به دل‌مشغولی‌های امروزی به عنوان یکی از مؤلفه‌های برساخت گذشته است (هالیواکس، ۲۰۲۲: ۱۴۶).

مخاطب انسانی در داستان‌پردازی و استماع، گرایش زیادی را به‌انتزاعی کردن^۱ و فشرده‌سازی داده‌ها در چهارچوب ارائه داستانی یکپارچه دارد (بارت، ۱۴۰۰: ۱۱۷). عناصری چون احضار زید، سؤال خلیفه دوم از وی، مستندکردن رای به‌آراء ابویوب خزرجی (م. ۵۲ق)، اُبی بن کعب خزرجی (م. ۲۲ق) و رفاعه بن رافع خزرجی (م. ۴۱ق) از سوی زید، رفتن خلیفه دوم نزد رفاعه و سؤال از جاری‌بودن این فعل در زمان رسول خدا (بند۴) و پاسخ رفاعه (بند۵)، حکایت از فرآیند داستانی‌سازی خاطره حدیثی دارد. در ادامه، خاطره، پویایی حافظه^۲ و سیاست حافظه^۳ خودنمایی می‌کند. خلیفه دوم مهاجران و انصار را در چهارچوب پویایی حافظه به مشورت و هم‌فکری فرا می‌خواند (بند۶). پویایی حافظه، فرآیندی است که با مذاکره مداوم درون‌گروهی بین اعضا از پایین به بالا حافظه جمعی را می‌سازد (میزتال، ۱۳۹۹: ۱۲۶). از سوی دیگر، عنصر مشورت می‌تواند یادآور آموزه‌های قرآنی در تأکید بر مشورت (آل عمران: ۵۹) و تجلی‌پابندی خلیفه دوم به قرآن و سنت رسول خدا (ص) باشد (خواجوی و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۰۵). استفاده از عبارت «أَنْ لَّا عُسَلَ فِي ذَلِك» (بند۶) به‌صورت ماهرانه‌ای در راستای تعلیق^۴ داستانی به کار رفته است (ابوت، ۱۳۹۸: ۳۹۹). به گونه‌ای که انتظار درست‌بودن رای زید را در مخاطب به وجود می‌آورد. اما نتیجه این مشورت نزد خلیفه دوم هیچ ارزشی ندارد. سیاست حافظه که رویکردی هژمون در ساخت حافظه است تمایل دارد که از بالا به پایین بر حافظه جمعی اعمال قدرت نماید (هابزبام و رنجر، ۱۹۸۳: ۲۶۷). گویا خلیفه دوم از قبل تصمیم خود را گرفته است؛ در این فرآیند، آرا و منافع صاحبان قدرت به حافظه جمعی راه پیدا خواهد کرد و بر آرای اعضای عادی گروه و حافظه عامه‌پسند^۵ غلبه می‌نماید. درواقع، عامه‌پسندی بر اثرپذیری اکنون از گذشته و امکان ساخت حافظه از پایین به بالا^۶ همانند پویایی حافظه- و تمایلات اکثریت اعضای گروه تأکید دارد (میزتال، ۱۳۹۹: ۱۱۷). با این تفاوت که در پویایی حافظه، فرآیند مشارکت اعضای گروه، نخبگان، دانش و جایگاه آن‌ها، پیوسته در حال شکل‌دهی به حافظه بر اساس اکنون است. عامه‌پسندی بر اساس خواست و تمایلات عامیانه مردم است؛ تمایلاتی که در رسانه، سیاست، فرهنگ ارزش‌ها، کارکرد گروه، اثرپذیری از جوامع و گروه‌های هم‌جوار زیست‌بوم^۷ ریشه دارد؛ حافظه‌ای که شاید بتوان آن را از قبل

۱. فرآیند اختصار و فشرده‌سازی داده‌ها از طریق شناسایی، استخراج، جداسازی و پنهان‌سازی جزئیات از کلیات است. انتزاعی‌کردن کاهش محتوای اطلاعاتی یک مفهوم و یک پدیده عینی برای حفظ داده‌ها برای یک منظور خاص است. وقتی از انتزاع و یک تفکر انتزاعی صحبت می‌کنیم؛ منظور این است که اصل و عصاره پدیده را جدا از جزئیات و مصادیق بررسی کنیم.

2. Dynamics of Memory
3. Politics of Memory
4. Suspense
5. Popular Memory
6. Bottom-Up

۷. اشاعه‌گرایی (Diffusionism) در انسان‌شناسی، رویکردی جغرافیایی به فرهنگ دارد. این نظریه، بیش از آنکه ابداع پدیده‌های فرهنگی را از سوی جوامع انسانی بپذیرد، بر اصل تقلید جوامع از یکدیگر بر اساس هم‌جواری جغرافیایی تأکید دارد (نک. فکوهی، ۱۴۰۱: ۱۵۰).

ساخته شده تلقی کرد و حافظه‌ای که کمتر از اکنون اثر می‌پذیرد. در عین حال که حافظه جمعی مسلمین با بهره‌گیری از پویایی حافظه نخبگان مهاجر و انصار مطابق فتوای زید، غسل جنابت را به انزال منوط می‌دانست (بند۶). خواست صاحبان قدرت و نظام سیاسی، قابلیت حذف داده‌ها را به عنوان یک پایش و تمیزی قدرتمند برای جلوگیری از ورود عناصر و مفاهیم مخالف دارد. بی‌شک حافظه جمعی مسلمانان در این زمان، ترکیبی از فرهنگ اهالی مکه و مدینه، آداب و رسوم جاهلی و فرهنگ حضور ده‌ساله رسول (ص) در مدینه بوده است. نهاد مقتدر گروه یا سیاست حافظه با سلطه بر دستگاه‌های تبلیغاتی و خبری، روایتی متناسب از منافع خود به جامعه عرضه می‌کند. اعضای گروه به دلیل برخورداری از جایگاه و منزلت اجتماعی پایین‌تر نسب به نهاد قدرت، مجبور به پذیرش هستند و نمی‌توانند درصدد افشاگری و اصلاح آن برآیند؛ از این رو روایت صاحبان قدرت به عنوان روایت هژمون در مناسبات رسمی پذیرفته می‌شود و از طریق نهادهای فرهنگی و آموزشی منتشر و به نسل‌های بعدی منتقل خواهد شد (هابزبام و رنجر، ۱۹۸۳: ۱۰). در عین حال که ممکن است در مناسبات غیررسمی پذیرفته نشود و به‌صورت زیرزمینی مخالفت و افشاگری‌هایی برخلاف منافع ذی‌نفوذان و مقتدران انجام شود.^۱

در ادامه، عبارت «هَذَا وَأَنْتُمْ أَصْحَابُ بَدْرٍ قَدْ اخْتَلَفْتُمْ فَمَنْ بَعْدَكُمْ أَشَدُّ اخْتِلَافًا» به‌صورت صریح بر کارکرد اجتماعی مورد انتظار خاطره در شکل‌دهی به حافظه جمعی اشاره می‌کند (بند۷)؛ به‌گونه‌ای که مشخص می‌شود راوی یا خلیفه دوم درصدد زدودن تشمت اجتماعی و یکپارچگی جامعه اسلامی با بهره‌گیری از سیاست حافظه است. در این میان، پیشنهاد سؤال از همسران رسول (ص) داده می‌شود. حفصه (م. ۴۵ق) که حدود ۱۰ سال با پیامبر (ص) زندگی کرده است از این حکم خبری ندارد (بند۹)، ولی در مقابل، عایشه با عبارت «إِذَا جَاوَزَ الْخِتَانُ الْخِتَانَ فَقَدْ وَجَبَ الْغُسْلُ» فصل الخطاب را بیان می‌کند؛ فصل الخطابی که مورد پذیرش خلیفه دوم قرار می‌گیرد. بیشتر مهاجران، انصار و افرادی چون زید، ابویوب، ابی بن کعب، رفاعه و حفصه از وجوب غسل در هنگام دخول بدون انزال آگاهی ندارند: «أَنْ لَا غُسْلَ فِي ذَلِكَ» (بند۶) و فقط عایشه، معاذ، خلیفه دوم و امیرمومنان^(ع) در جریان این حکم قرار دارند. حافظه جمعی دیالکتیکی از یادآوری، فراموشی و معناسازی در مقاطع مختلف زمانی است (اولیک و لوی، ۱۹۹۷: ۹۲۹). این فرآیند پیوسته به‌صورت پویا متناسب با «اکنون»، بعضی از خاطرات را به جرگه فراموشی می‌سپارد؛ قسمتی از گذشته را

۱. شاید بتوان مخالفت خلیفه دوم با فتوای زید را به تفاوت‌های فرهنگی مهاجران و انصار و اختلافات آن‌ها در زمان رسول خدا (ص)، غلبه مهاجران در سقیفه و تلاش برای حفظ مرجعیت مذهبی آن‌ها مربوط دانست؛ بنابراین در تمام دوران خلفای سه‌گانه، تلاش زیادی برای حفظ مرجعیت مذهبی، هژمونی و برتری فرهنگ مهاجران به عمل آمد. بخشی از این هژمونی و مرجعیت مذهبی، وابسته به آگاهی از سنت رسول خدا بود.

۲. رای امیرمومنان علی^(ع) مبنی بر وجوب غسل، صرفاً چیزی است که در متن روایت بر آن تصریح شده است.

یادآوری و بخشی از آن را در معنایی دیگر بازآفرینی می‌کند (چوب‌دستی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۹). در این روایت، وجودنداشتن هیچ خاطره‌ای از رسول (ص) در وجوب غسل، باید به جرگه فراموشی سپرده شود (بند ۶) و خاطره عایشه و مرجعیت وی در احکام، یادآوری و پذیرفته شود (بند ۱۰) و درنهایت، این وجوب در ممنوعیت و ضرب‌وشتم متخلف بازآفرینی شود (بند ۱۲). سیاست حافظه‌ای که از طرف خلیفه دوم اعمال می‌شد، تمایل به فراموشی «عدم وجوب غسل» دارد. فراموشی جمعی^۱، گرایشی است که درصدد فراموشی خاطرات بدون کارکرد و تجربیات منفی است (فکوهی، ۱۳۹۴). کلام «اذا جاوز الختان...» درصدد اصلاح و تغییر حافظه جمعی مسلمین در راستای کارکرد اجتماعی افزایش اقتدار خلیفه دوم و مشروعیت بخشی به عمل و سنت وی در عرض سنت رسول (ص) می‌باشد (خواجوی و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۰۶). در ارزیابی این خاطره احتمالات ذیل وجود دارد:

۱. پیامبر حکم دخول بدون انزال را مشخص نکرده است:

• لکن مسلمانان طبق حافظه جمعی حنفاء و اهل کتاب - که پایبند به غسل جنابت بودند- عمل می‌کردند (جوادعلی، بی تا: ۱۱ / ۲۱۹؛ ۱۰ / ۳۲۳ و ۱۲ / ۲۸)؛

• خلیفه دوم به سبب مصالحی درصدد جانبداری از وجوب غسل است.

۲. پیامبر حکم دخول بدون انزال را مشخص نموده است:

• لکن حکم آن قدر مهم و «مبتلا به» مردم نبوده است که رسول (ص) اقدام به اهتمام جدی و همگانی در تبیین آن به همه مسلمانان داشته باشد و حکم به صورت شخصی و موردی - به عایشه، معاذ و غیره - ابلاغ شده است؛

• حکم وجوب غسل بدون انزال مهم بوده:

الف) ولی رسول (ص) موفق به ابلاغ همگانی آن نشده و حکم به صورت شخصی و موردی - به عایشه، معاذ و غیره - ابلاغ شده است؛

ب) رسول (ص) اقدام به ابلاغ همگانی نموده است، ولی مردم فراموش کرده‌اند. خلیفه دوم و عایشه از فراموشی مصون بودند و الان خلیفه دوم درصدد احیای این حکم است.

در این داستان برای مخاطب مشخص نیست که این حکم از سوی رسول (ص) در پاسخ به یکی از مسلمانان بیان شده یا همانند بعضی موارد دیگر نقل‌های عایشه، تجربه شخصی وی با رسول (ص) بوده است (میرحسینی و صحرايي، ۱۳۹۹). عبارت «إِنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ... مِنْ أَرْوَاحِهِ» قرینه‌ای بر تجربه شخصی بودن عایشه با رسول (ص) است. در ارزیابی کلی روایت، چه بسا اصحابی که ادعا داشته‌اند در زمان رسول (ص) فقط در صورت انزال غسل می‌کردند و ایشان هم ایرادی نمی‌گرفت، درست می‌گفته‌اند. شاید در بافت اجتماعی

دوره جاهلی که تعداد اندکی از مردم -حنفاء و اهل کتاب- به غسل جنابت اهتمام داشته‌اند، ایشان صرفاً در ابلاغ وجوب غسل جنابت اکتفا کرده است. لکن در عصر خلیفه دوم، بر اساس تکامل فهم احکام، عایشه در بافتی اجتماعی که سی سال از آشنایی مردم با احکام اسلام گذشته است و وجوب غسل به عنوان یکی از احکام اسلامی پذیرفته شده است، می‌تواند جزئیات بیشتری از حکم وجوب غسل در صورت دخول و عدم انزال را بازآفرینی نماید. بازآفرینی خاطرات بنا بر نظریه تداوم و تجدد «شوارتز»، تلفیقی از گذشته و اکنون است (شوارتز، ۲۰۰۰: ۳۰۲). درحقیقت، ما هرگز در یک رودخانه مشابه قدم نخواهیم گذاشت. رودخانه همچنان که ویژگی ماندگاری دارد، به گونه‌ای است که با هیچ رودخانه دیگر یکسان نیست. بازآفرینی خاطرات تا حدی تداوم و گذشته را در خود جای داده است و تا حدی هم بر اساس اکنون و نیازهای امروزی بیان می‌شود (کوزر، ۱۴۰۲: ۸۸).



نتیجه‌گیری

بهره‌گیری از علوم اجتماعی در حدیث، مزیت‌های فراوانی را در فهم پدیده‌ها در اختیار ما قرار داده است. پژوهش‌های اخیر حدیث‌پژوهان مبنی بر صعوبت نگارش عصر نبوی، قرآن‌محوری رسول خدا^(ص) در تبلیغ، سنت آموزشی انسان‌محور، نایابی ادوات نگارش، سنت نقل شفاهی در میان عرب، محدودیت‌های خط عربی و نقل‌به‌معنا در احادیث، انگاره کتابت احادیث به صورت وسیع در عصر نبوی را با تردیدهایی روبه‌رو کرده است. در پاسخ به پرسش شیوه انتقال حدیث، بعضی از پژوهشگران ایده خاطرات حدیثی را مطرح کرده‌اند؛ بر این اساس که صحابه بعد از رسول خدا^(ص) درصدد بازآفرینی خاطرات خود در موقعیت‌های مختلف اجتماعی برآمدند. خاطره حدیثی، بازآفرینی رفتار و فعلی از رسول^(ص) است که به عنوان یک خاطره در مغز و حافظه شاهدان، نقش بسته است. مغز، این خاطره را در چهارچوب تصویر و موقعیتی اجتماعی ذخیره نموده است. موریس هالبواکس با ارائه نظریه حافظه جمعی، بر بازآفرینی گذشته به جای «یادآوری» عین واقعیت تأکید دارد. وی بازآفرینی گذشته را تلفیقی از گذشته و اکنون در چهارچوب ارزش‌ها و منافع گروه تحت تأثیر نیازهای امروزی می‌داند. در ارزیابی موردی خاطره حدیثی «إِذَا جَاوَزَ الْخِتَانُ، الْخِتَانُ فَقَدْ وَجَبَ الْغُسْلُ»، بر اساس جامعه‌شناسی حافظه، «سیاست حافظه»، «حافظه عامه‌پسند»، «پویایی حافظه» و «تداوم و تجدد» در بازآفرینی این خاطره حدیثی و شکل‌گیری حافظه جمعی نقش‌آفرینی نموده‌اند. در جریان این خاطره حدیثی، اختلافاتی بین مسلمانان در موضوع حکم غسل جنابت به وجود می‌آید؛ به نظر می‌رسد که منشأ این اختلافات به کارکردهای اجتماعی خاطرات حدیثی، سیاست حافظه و پویایی حافظه وابسته است. در عین حال که از نقش راوی در اختلافات نباید غفلت کرد. راوی به دنبال ارائه روایتی یکپارچه داستانی است؛ روایتی که با بهره‌گیری از تعلیل عناصر و حذف داده‌های غیر کاربردی، به صورت منسجم باورپذیری خاطره را افزایش دهد. مغز راوی و مخاطب انسانی در داستان‌پردازی و استماع، به انتزاعی کردن و فشرده‌سازی داده‌ها در چهارچوب ارائه داستانی یکپارچه گرایش زیادی دارد. در این خاطره، عناصری چون احضار زید، سؤال خلیفه دوم از وی، مستند کردن رای به آراء ابویوب خزرجی (م. ۵۲ق)، ابی بن کعب خزرجی (م. ۲۲ق) و رفاعه بن رافع خزرجی (م. ۴۱ق) از سوی زید، رفتن خلیفه دوم نزد رفاعه و سؤال از جاری بودن این فعل در زمان رسول خدا^(ص) و پاسخ رفاعه، حکایت از فرآیند داستانی‌سازی خاطره حدیثی دارد. خلیفه دوم مهاجران و انصار را در چهارچوب پویایی حافظه، به مشورت و هم‌فکری فرا می‌خواند. پویایی حافظه فرآیندی است که با مذاکره مداوم درون گروهی بین اعضا، از پایین به بالا، حافظه جمعی را می‌سازد. همچنین، عامه‌پسندی بر اثرپذیری اکنون از گذشته و امکان ساخت حافظه از پایین به بالا همانند پویایی حافظه و تمایلات بیشتر اعضای گروه تأکید دارد. با این تفاوت که در پویایی حافظه فرآیند مشارکت اعضای گروه، نخبگان، دانش و جایگاه آن‌ها، پیوسته در حال شکل‌دهی به حافظه بر اساس

اکنون است. عامه‌پسندی بر اساس خواست و تمایلات عامیانه مردم است؛ تمایلاتی که در رسانه، سیاست، فرهنگ ارزش‌ها، کارکرد گروه، اثرپذیری از جوامع و گروه‌های هم‌جوار زیست‌بوم ریشه دارد. حافظه‌ای که شاید بتوان آن را از قبل ساخته‌شده تلقی کرد. حافظه‌ای که کمتر از اکنون اثر می‌پذیرد. حافظه جمعی دیالکتیکی از یادآوری، فراموشی و معناسازی در مقاطع مختلف زمانی است. این فرآیند، پیوسته به صورت پویا متناسب با «اکنون»، بعضی از خاطرات را به جرگه فراموشی می‌سپارد، قسمتی از گذشته را یادآوری و بخشی از آن را در معنایی دیگر بازآفرینی می‌کند. در این روایت، نبود هیچ خاطره‌ای از رسول (ص) در وجوب غسل باید به جرگه فراموشی سپرده شود و خاطره عایشه و مرجعیت وی در احکام، یادآوری و پذیرفته و درنهایت، این وجوب در ممنوعیت و ضرب‌وشتم متخلف بازآفرینی شود. سیاست حافظه‌ای که از طرف خلیفه دوم اعمال می‌شد، به فراموشی «عدم وجوب غسل» تمایل دارد.



منابع

- ابن ابی شیبه، ابوبکر (۱۴۰۹ق). *المصنف فی الاحادیث والاثار*، محقق کمال یوسف الحوت. ریاض: مکتبه الرشد.
- ابن اثیر، ابوالحسن (۱۴۱۷ق). *الکامل فی التاریخ*، محقق عمر عبدالسلام تدمری. بیروت: دارالکتب العربی.
- ابن هشام حمیری، عبدالملک (بی‌تا). *السیره النبویه*، محقق طه عبدالرئوف سعد. بی‌جا: شرکه الطباعه الفنیه المتحده.
- ابن سعد، ابوعبدالله محمد (۱۹۶۸). *الطبقات الکبری*، محقق احسان عباس. بیروت: دارصادر.
- ابن عساکر، ابی‌القاسم علی بن الحسن (بی‌تا). *تاریخ مدینه دمشق*، محقق علی شیری. بی‌جا: دارلفکر للطباعه و النشر و التوزیع.
- ابن هشام حمیری، عبدالملک (بی‌تا). *السیره النبویه*. بیروت: دارالمعرفه.
- ابوت، اچ پورتر (۱۳۹۸). *سواد روایت*، ترجمه رویا پورآذر و نیما اشرفی. تهران: اطراف.
- احمد بن حنبل، ابوعبدالله (۴۲۱ق). *مسند*، زیر نظر عبدالله عبدالمحسن الترمذی. بی‌جا: موسسه الرساله.
- احمدی نیک، سید مهدی و دریادل، امیررضا (۱۴۰۰). *حدیث مزید از نظر تا عمل: شروط محدثان و عمل فقیهان*. نشریه‌های آموزه‌های حدیثی، ۵(۹)، ۷۷-۱۰۶.
- اسپیت، مارستن (۱۳۹۴). *وصیت سعد بن ابی‌وقاص: تطور یک روایت*، ترجمه سیده زهرا مبلغ. تهران: نشر حکمت.
- در کتاب *تاریخ‌گذاری حدیث*. به کوشش و ویرایش سید علی آقایی.
- استرنبرگ، رابرت (۱۳۹۸). *روان‌شناسی شناختی*، ترجمه سیدکمال خرازی و الهه حجازی. تهران: سمت.
- اورول، جورج (۱۳۹۶). *هنار و نهصد و هشتاد و چهار*، ترجمه کاوه میرعباسی. تهران: چشمه.
- بارت، لیزا فلدمن (۱۴۰۰ش). *۷/۵ درس درباره مغز*. تهران: مازیار.
- بخاری جعفی، محمد بن اسماعیل ابوعبدالله (۱۴۲۲ق). *صحیح بخاری: الجامع المسند الصحیح المختصر من امور رسول الله (ص) و سننه و ایامه*، محقق محمدزهیر بن ناصر الناصر. دمشق: دار طوق النجاة.
- بختیاری، فاطمه و حضرتی، حسن (۱۴۰۲). *پی‌گیری رد حلقه تفسیری ابن عباس در تاریخ‌نگاری قدسی مسلمانان*. پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، ۵۵(۲)، ۳۷۵-۳۹۸.
- بیهقی، ابوبکر (۱۴۲۴ق). *السنن الکبری*، محقق محمدعبدالقادر عطا. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- پاکتچی، احمد (۱۳۹۴). *فقه الحدیث: مباحث نقل به معنا*. تهران: نشر دانشگاه امام صادق (ع).
- پاکتچی، احمد و میرحسینی، یحیی (۱۳۹۰). *کتاب تاریخ حدیث*. تهران: انجمن علمی دانشجویی الهیات دانشگاه امام صادق (ع).
- پاکتچی، احمد (۱۳۹۲). *جوامع حدیثی اهل سنت*. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- پاکتچی، احمد (۱۳۹۹). *مدخل اهل کتاب*. تهران: دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- <https://www.cgie.org.ir/fa/article>
- پاکتچی، احمد (۱۳۹۸). *مدخل رحمن*. تهران: مرکز دائره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- <https://www.cgie.org.ir/fa/article>
- جان‌علی‌زاده چوب‌دستی، حیدر؛ علیوردی‌نیا، اکبر و فرزند، محمد مهدی (۱۳۹۶). *جامعه‌شناسی حافظه جمعی: حوزه*

- مطالعاتی پارادایمیک یا ناپارادایمیک. نشریه راهبرد فرهنگ، (۴۰).
- جمالی‌راد، فهمیه؛ پیروزفر، سهیلا و جلالی، مهدی (۱۳۹۷). معناشناسی «خلیفه» در قرآن کریم. پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، ۶(۲)، ۱۵۳-۱۷۴.
- جوادعلی (بی تا). کتاب المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام. بی جا: کتابخانه مدرسه فقهت.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۸). کتاب قصه خوانان در تاریخ اسلام و ایران. تهران: نشر دلیل.
- حسینی، سارا؛ فرجامی، اعظم و فرزند وحی، جمال (۱۳۹۸). مقایسه و ریشه‌یابی اختلافات نقلی در احادیث مشابه با تأکید بر کتب اربعه. نشریه حدیث پژوهی، ۱۱(۲۱)، ۳۲۱-۳۴۸.
- حیدری‌نژاد، سعیده و جان‌احمدی، فاطمه (۱۳۹۸). بررسی نقش شهرانبار در تکوین و انتقال خط عربی. نشریه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ۳۵(۳)، ۴۹-۶۲.
- خانی، حامد (۱۳۹۷). تاریخ فقه اسلامی: در سده‌های نخستین از آغاز اسلام تا شکل‌گیری مکتب اصحاب حدیث متأخر. تهران: نشر نی.
- خواجوی، هادی؛ باقری، حمید و بیات، علی (۱۴۰۲). محوریت بوم مدینه در حدیث و پیدایی گفتمان فرابومی حدیث در میان محدثین اهل سنت در دو سده نخست هجری. نشریه حدیث پژوهی کاشان، ۱۵(۲۹)، ۳۱۱-۳۴۲.
- خواجوی، هادی؛ معارف، مجید و قائدان، اصغر (۱۳۹۷). سیر تحول مفهوم و کارکرد سنت از زمان پیامبر اسلام تا پایان عصر خلفای راشدین با تأکید بر دوره حکومت امیرمومنان علی^(ع). پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، ۵۱(۲)، ۳۰۱-۳۱۷.
- دلبری، سید علی (۱۳۸۹). آسیب نقل به معنا در احادیث: عوامل و پیامدها. نشریه مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث، ۴۲، ۵۲-۵۹.
- دلبری، سید علی (۱۳۹۲). ادراج در متن حدیث: انواع، عوامل و پیامدهای آن. دوفصلنامه علمی- پژوهشی تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء، ۱۰(۱)، ۳۲-۵۶.
- دینوری، ابوحنیفه (۱۳۷۳). الاخبار الطوال، محقق محمدعبدالممنع. قم: منشورات الشریف الرضی.
- ذهبی، شمس‌الدین (۱۴۱۲ق). الموقظه فی علم المصطلح الحدیث. حلب: مکتبه‌المطبوعات الاسلامیه.
- ذهبی، محمد حسین (۱۳۹۸ق). کتاب التفسیر و المفسرون. قاهره: مکتبه وهبه.
- رضاپور، منیژه (۱۴۰۱). مدخل رفاعه بن رافع. تهران: دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۷۲). زمینه فرهنگ‌شناسی. تهران: نشر عطار.
- ریکور، پل (۱۳۷۴). تاریخ، خاطره و فراموشی. نشریه گفت‌وگو، ۴۷-۵۹.
- زارع زردینی، احمد (۱۳۹۲). درآمدی بر فلسفه حدیث. مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، ۱۹، ۹-۹۸.
- زرقانی، محمد عبدالعظیم (بی تا). مناهل العرفان فی علوم القرآن. بی جا: کتبه عیسی البابی الحلبی و شرکاه.
- سعید بن منصور، ابوعثمان (۱۴۰۳ق). سنن، محقق حبیب الرحمن الاعظمی. هند: دارالسلفیه.
- شریفی، محمد و کریمی، طاهره (۱۴۰۰). نقل به معنا در روایات؛ ملاک‌ها و شاخص‌های تشخیص. نشریه حدیث و

اندیشه، (۳۲)، ۱۷۷-۲۰۴.

شولر، گریگور (۱۳۹۳). *شفاهی و مکتوب در نخستین سده‌های اسلامی*، ترجمه نصرت نیل‌ساز، تهران: نشر حکمت. شوقی، ضیف (۱۳۹۳). *تاریخ ادب عربی*، ترجمه علیرضا ذکاوتی فراگزلو، تهران: نشر امیرکبیر. طبری، محمد بن جریر ابوجعفر (۱۳۸۷ق). *تاریخ الرسل والملوک*، بیروت: دارالتراث. طیب‌السی، ابوداود (۱۴۱۹ق). *مسند، محقق محمد بن عبدالرحمن الترمذی*، مصر: دار هجر. طیب‌حسینی، سید محمود؛ حکیمیان، علی‌محمد؛ شیرزاد، محمدحسین و شیرزاد، محمدحسین (۱۴۰۱). *معناشناسی تاریخی واژه «مهر»: کاوشی در دلایل حذف «مهر» از نظام واژگانی قرآن کریم*، کتاب‌قیم، ۱۲ (۲۷)، ۷-۲۳. عاملی، جعفر مرتضی (۱۳۸۵). *الصحيح من السيره النبوی الاعظم*، بی‌جا: مؤسسه دارالحدیث. عبدالرزاق صنعانی، ابوبکر (۱۴۰۳ق). *المصنف، محقق حبیب‌الرحمن الاعظمی*، هند: المجلس العلمی. عسقلانی، ابن حجر (۱۹۷۱). *لسان المیزان*، محقق دائره‌المعرف النظامیه هند، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات. فرزند، محمدمهدی؛ رضایی، احمد و جانعلی‌زاده چوبدستی، حیدر (۱۳۹۶). *حافظه جمعی و هویت ایرانی*، فصلنامه مطالعات ملی، ۱۹ (۳۷) (۱).

فکوهی، ناصر (۱۴۰۱). *میانی انسان‌شناسی*، تهران: نشر نی.

فکوهی، ناصر (۱۳۹۴). *مصاحبه حافظه تاریخی*، سایت دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.

فکوهی، ناصر (۱۴۰۱). *حافظه جمعی و هویت*، سایت ناصر فکوهی، <https://nasserfakouhi.com>.

قابل، هادی (۱۳۸۸). *نوشت افزار قرآن در عصر نزول*، نشریه بیانات، (۹).

کاوسی، روحی؛ دهقان، علی؛ پاکتچی، احمد و پروینی، خلیل (۱۳۹۷). *بی‌جویی مؤلفه‌های مفهوم جهانی حکمت در مفهوم قرآنی آن*، *دوفصلنامه علمی و پژوهشی کتاب‌قیم*، ۱ (۱۸).

کنوبلاخ، هوبرت (۱۴۰۰). *جامعه‌شناسی معرفت*، ترجمه کرامت‌الله راسخ، تهران: نشر نی.

گراوند، مجتبی؛ نظری، داریوش و بخشی‌زاده، سمیه (۱۳۹۷ش). *نگاهی نو به عملکرد سیاسی و اجتماعی دو قبیله اوس و خزرج*، *فصلنامه تاریخ نو*، ۱ (۲۱).

لوئیس، کوزر (۱۴۰۲). *مورس هالباواکس و حافظه جمعی*، ترجمه مهدی سلیمانیه و لیلا طباطبایی یزدی، تهران: حکمت سینا.

مسلم بن الحجاج، ابولحسن (بی‌تا). *المسند الصحیح المختصر بنقل العدل الی رسول الله*، محقق محمد فواد عبدالباقی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

مسعودی، عبدالهادی (۱۳۹۳). *روش فهم حدیث*، تهران: سمت.

معارف، مجید (۱۳۸۷). *شناخت حدیث: میانی فهم متن، اصول نقد سند*، تهران: نیا (دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران).

مقاتل، ابن سلیمان (۱۴۲۳ق). *تفسیر، محقق عبدالله محمودشحاته*، بیروت: دار احیاء التراث.

موسی‌پور بشلی، ابراهیم (۱۴۰۰). *رهیافت به فرد و داده‌های فردی در مطالعات تاریخ اجتماعی*، تهران: سمت.

مهدوی‌راد، محمدعلی و دلبری، سید علی (۱۳۸۹). *بررسی آسیب تقطیع نادرست در روایات*، *علوم حدیث*، ۱۵ (۱)

۱۵۲-۱۲۷، ((۵۵))

میرحسینی، یحیی و صحرایی اردکانی، کمال (۲۰۲۰). عائشه و روایات صحابه: نخستین نقدهای بیرونی حدیث. *مطالعات تاریخی قرآن و حدیث*، ۶۷(۲۶)، ۱۸۱-۲۰۶.

میرداماد، میر برهان‌الدین (۱۴۲۲ق). *الرواشح السماویه فی شرح الاحادیث الامامیه*، محققان قیصریه‌ها غلام‌حسین و لیلی نعمت‌الله. قم: دارالحدیث.

میزتال، باربارا (۱۳۹۹). *درآمدی بر جامعه‌شناسی حافظه*، ترجمه محمد رسولی. تهران: نشر تیسرا.

نجفی، روح‌الله (۱۴۰۱). نقل به معنی کلید فهم اختلافات صحابه. *دوفصلنامه علمی مطالعات قرآنت قرآن*، ۱۰(۱۹)، ۹-۳۲.

نجفی، محمدجواد (۱۳۸۲). *نسب‌شناسی در دوره اسلامی*. *مجله تاریخ اسلام*، (۱۳).

نورایی، مهرداد (۱۳۸۳). هویت و حافظه جمعی. *نشریه اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، (۲۰۷ و ۲۰۸)، ۴۲-۴۵.

واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ق). *المغازی*، تحقیق مارسدن جونز. بیروت: دارالعلمی.

هورویتنس، یوزف (۱۳۸۷). قدمت و خاستگاه اسناد، ترجمه مرتضی کریمی. *نشریه علوم حدیث*، (۴۸).

یعقوبی، احمد بن اسحاق (بی تا). *تاریخ الیقوبی*. بی جا: دارصادر.

یونگ، کارل گوستاو (۱۴۰۱). *روانشناسی ضمیر ناخودآگاه*، ترجمه محمدعلی امیری. تهران: نشر علمی و فرهنگی.

- Patricia Smith Churchland. (1986). *Neurophilosophy: Toward a Unified Science of the Mind-Brain*. MIT Press, Cambridge, MA, USA. <https://doi.org>.
- Fentress, J. & Wickham, C. (1992). *Social Memory*. Oxford: Blackwell.
- Glock, C. & Stark, Y.R. (1965). *Religion and Society in Tension*. Chicago: Rand MC Nally.
- Gillis, J.R. (1994). Introduction: memory and identity, in J.R. Gillis (ed) *Commemorations: The politics of National Identity*, 3-26. Princeton, NJ: Princtone University Press.
- Halbwachs, M. (1992). *On Collective Memory*. Chicago: Chicago Universiry Press.
- Halbwachs, M. (2022). The Legendary Topography of the Gospels in the Holy Land. *The Study of Collective Memory. Sociology of Power* 34 (1):144-150.
- Hobsbawm, E. & Ranger, T. (1983). *The Invetion of Tradition*. New York: Cambridge University Press.
- Loftus, E.F., & Palmer, J.C. (1974). Reconstruction of automobile destruction: An example of the interaction between language and memory. *Journal of Verbal Learning & Verbal Behavior*, 13(5), 585-589. <https://doi.org>.
- Olick, J.K. & Levy. D. (1997). *Collective Memory and Cultural Constraint: Holocaust Myth and Rationality in German Polotics*. *American Sociological Rewiew*. No. 62.
- Schuman, H. & Scott, J. (1989). Generation and Collective Memories. *American*

- Sociological Review*, 54, 359-381.
- Schudson, M. (1997). *Lives, Laws and Language: Commemorative Versus noncommemorative forms of effective public memory*.
- Schwartz, B. (2000). *Abraham Lincoln & the forge of National Memory*. Chicago: Chicago University Press.
- Jeffrey, A. (1958). *Islam: Mohammed and His Religion*. Liberal Arts Press. ASIN: B000IXMTE4 pp. 85.
- Swartz, Merlin L. (1981). *Studies on Islam*. University Press. ISBN 0-19-502716-7 pp.12.



Transliteration

- Abbott, H. P. (2019). *The Cambridge Introduction to Narrative*. Translated by Roya Pourazar and Nima Ashrafi. Tehran: Atrāf.
- ‘Abd al-Razzāq al-Ṣan‘ānī, A. (1983). *al-Muṣannaḡ*. Edited by Habib al-Rahman al-Azham. India: al-Majlīs al-‘Ilmī.
- Aḥmad b. Ḥanbal, A. (2000). *Mosnad, under the supervision of Abdullah Abdul Mohsen Al-Turki*. N.p.: Mo’assīsāt al-Rīsāla.
- Ahmadi Nik, S. M. & Daryadel, A.R. (2021). More hadith from view to action; The conditions of the narrators and the practice of the jurists. *Hadith Teachings Publications*, 5(9), 77-106.
- ‘Āmilī, j. M. (2006). *al-Ṣaḥīḥ mīn al-Sīrah al-Nabī al-A’zam*. n.p. [n.p.]: Mu’assīsāt Dār al-Ḥadīth.
- ‘Asqalānī, I. Ḥ. (1971). *Lisān al-Mizān*. Edited by Dā’irat al-Ma’ārif al-Nizāmiyyah al-Hind. Beirut: Mu’assīsāt al-‘Ilmī li-l-Maṭbū‘āt.
- Bakhtiari, F. & Hazrati, H. (2023). The Tracing of Ibn ‘Abbās Interpretive Circle in the Muslims Holy Historiography. *Journal of the History of Islamic Civilization*, 55(2), 375-398.
- Barrett, L. F. (2021). *Seven and a Half Lessons About the Brain*. Tehran: Māzīār.
- Bayhaqī, A. (2003). *Al-Sonan al-Kobra*. Researcher Mohammad Abdul Qadir Atta. Beirut: Dār al-Kotob al-‘Ilmīyah.
- Buḡārī jo‘fī, M. b. Ī. (2001). *ṣaḥīḥ Buḡārī*, Researcher Mohammad Zuhair b. Nasser al-Nasser. Damascus: Dār Toq al-Najā.
- Ḍahabī, M. H. (2001). *Kitāb ul-Tafsīr wa-l-Mofassīrūn*. Cairo: Maktabat Wahbah.
- Ḍahabī, SH. (1991). *al-Mūqīzah fī ‘Ilm ul-Moṣṭalah al-Ḥadīth*. Aleppo: Maktabat al-Maṭbū‘āt al-Īslāmīyyah.
- Delbari, S. A. (2010). The damage of transmission in meaning in hadiths: factors and consequences. *Islamic Studies Journal: Quran and Hadith Sciences*, 42, 52-59.
- Delbari, S. A. (2013). Idraj (Insertion) in the Hadith: Types, Causes and Consequences. *Scientific-Research Journal of Quranic and Hadith Sciences Research, AlZahra University*, 10 (1), 32-56.
- Dīnevarī, A. Ḥ. (1994). *Al-Aḡbār u-l-Ṭwāl*. Edited by Mohammad Abdul-Moneim. Qom: Manšūrāt al-Sharīf al-Raḍī.
- Farzbod, M. M., Rezaei, A. & Janalizadeh Choobdasti, H. (2017). Collective Memory and Iranian Identity. *Quarterly of National Studies*, 19(37 (1)).
- Fokouhi, N. (2015). *Collective Memory and Identity*. Nasser Fakouhi website: <https://nasserfakouhi.com>
- Fokouhi, N. (2015). *Historical Memory Interview*. Great Islamic Encyclopedia website.
- Fokuhi, N. (2022). *Fundamentals of Anthropology*. Tehran: Ney Publishing House.
- Garavand, M., Nazari, D. & Bakhshizadeh, S. (2018). A New Look at the Political and Social Performance of the Two Tribes of Aws and Khazraj. *New History*, 8(21).

- Heidarinejad, S. & Janahmadi, F. (2019). Investigating the Role of the City of Anbar in the Development and Transmission of the Arabic Writing. *Islamic History and Civilization Journal*, (35), 62-49.
- Horowitz, J. (1387). The antiquity and origin of Documents, Translated by Morteza Karimi. *Hadith sciences journal*, (48).
- Hosseini, S., Farjami, A. & Farzandwahy, J. (2019). Comparison and rooting of the Traditional differences in the similar hadiths (based on the Four Books). *Hadith Research Journal*, 11(21), 348-321.
- Ībn Abī Šaybah, A. (1989). *al-Mošanaf fī al-Ḥadīth wa al-Ātār*, ed. Kamal Yusuf Al-Hout. Riyadh: Maktabat al-Rušd.
- Ībn ‘Asākīr, A. ‘A. Ḥ. (n.d.). *Tārīkh Madīnat Damašq*, ed. Ali Shiri. N.p.: Dār al-Fīkr līl-Ṭībā‘a wa al-Našr wa al-Tawzī‘.
- Ībn Athīr, A. (1996). *al-Kāmīl fī al-Tārīkh*, ed. Omar Abdul Salam Tadmur. Beirut: Dār al-Kotob al-‘Arabīyah.
- Ībn Hīšām al-Ḥīmyarī, ‘A. (n.d.). *al-Sīra al-Nabawiyya*, ed. Taha Abdul Rauf Saad. n.p.: Šarīka al-Ṭībā‘a al-Fannīyya al-Mottaḥida.
- Ībn Hīšām al-Ḥīmyarī, ‘A. (n.d.). *al-Sīra al-Nabawiyya*, Beirut: Dār Al-Ma‘rīfah.
- Ībn Sa‘d, A. M. (1968). *al-Ṭabaqāt al-Kubrā*, ed. Ihsan Abbas. Beirut: Dār Šādir.
- Jafarian, R. (1999). *The book of storytellers in the history of Islam and Iran*. Tehran: Dalīl Publishing House.
- Jamali-Rad, F., Pirouzfard, S. & Jalali, M. (2018). The semantics of 'caliph' in the Quran. *Research Journal of Quranic Interpretation and Language*, 6(2), 153-174.
- Janalizadeh Choob-Dasti, H., Alivardinia, A. & Farzbod, M. M. (2017). Sociology of Collective Memory: Paradigmatic or Nonparadigmatic Field of Study. *Journal of Rahbord-e Farhang*, (40).
- Jawad Ali (n.d.). *The detailed book on the history of the Arabs before Islam*. n.p.: Library of the School of Jurisprudence.
- Jung, C. G. (1401). *Psychology of the Unconscious*, Translated by Mohammad Ali Amiri. Tehran: Scientific and Cultural Publishing.
- Kavoosi, R., Dehghan, A., Pakatchi, A. & Parvini, K. (2018). Research on Components of Universal Concept of Wisdom in its Quranic Concept. *Scientific and Research Book of the Guardian*, 8(18).
- Khajavi, H., Baqeri, H. & Bayat, A. (1402). The Centrality of Medina Region in Hadith and The Appearance of Transregional Discourse in Hadith among Sunni Traditionists in the first two centuries of the Hijrī. *Kashan Hadith Research Journal*, 15(29), 311-342.
- Khajoui, H., Maarif, M. & Qaedan, A. (2018). The Evolution of the Concept of Tradition and its Function from Islam's Prophet Age to Imam Ali Age. *Journal of the History of Islamic Civilization*, 51(2), 301-317.
- Khani, H. (2018). *History of Islamic Jurisprudence: In the early centuries from the beginning of Islam to the formation of the school of later scholars of hadith*. Tehran:

- Ney Publishing House.
- Knoblauch, H. (2021). *Wissenssoziologie*, Translated by Keramatollah Rasekh. Tehran: Ney Publications.
- Lewis, C. (1402). *On Collective Memory*, Translated by Mahdi Soleimaneh and Leila Tabatabaei Yazdi. Tehran: Hekmat Sīnā.
- Maarif, M. (1998). *Understanding Hadith: Fundamentals of Understanding the Text, Principles of Criticism of the Document*. Tehran: Naba' (Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran).
- Mahdavi-rad, M. A. & Delbari, S. A. (2000). A Study of the Damage of Incorrect Interruption in Narrations. *Hadith Sciences*, 15(1 (55)), 127-152.
- Masoudi, A. H. (2014). *A Method of Understanding Hadith*. Tehran: Samt.
- Mīr Dāmād, M. B. (2001). *al-Rawāṣiḥ al-Samāwīyyah fī Šarḥ al-Aḥādīṯ al-Imāmīyyah*, Edited by Qaysariyya Scholars Gholam Hossein and Leyli Nematullah. Qom: Dār al-Ḥadīṯ.
- Mir Hosseini, Y. & Sahraei Ardakani, K. (2020). 'A'isha and Traditions of the Companions; The First External criticism of Hadith. *Historical Studies of the Quran and Hadith*, 67(26), 181-206.
- Miztal, B. (2020). *Theories of Social Remembering*, Translated by Mohammad Rasuli. Tehran: Tisā Publishing House.
- Mosapour Bashli, E. (2021). *Approach to the individual and individual data in social history studies*. Tehran: Samt.
- Muqāṭil, b. S. (2002). *Tafsīr*. Edited by Abdollah Mahmoud Shahata. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāṯ.
- Muṣlīm b. al-Ḥajjāj, A. Ḥ. (n.d.). *al-Mosnad al-Šaḥīḥ al-Moḳtaṣar bī-Naql al-'Adl ilā Rasūl Allāh*, Edited by Mohammad Fawad Abdul-Baqi. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāṯ al-'Arabī.
- Najafī, M. J. (2003). Genealogy in the Islamic Era. *Journal of Islamic History*, (13).
- Najafī, R. (2022). Meaning-based Quotation; The Key to Understanding the Differences in Companions' Masahif. *Scientific bi-annual study of Quranic reading studies*, 10(19), 9-32.
- Nouraei, M. (1383). Identity and collective memory. *Political and economic information journal*, (207 & 208), 45-42.
- Orwell, G. (2017). *Nineteen Eighty-Four*, Translated by Kaveh Mir Abbasi. Tehran: Chešmeh.
- Pakatchi, A. (2013). *Sunni Hadith Societies*. Tehran: Imam Sadeq University.
- Pakatchi, A. (2015). *Jurisprudence of Hadith: Topics of Narration in Meaning*. Tehran: Imam Sadeq University Press.
- Pakatchi, A. (2019). *Ahl-e Ketab Entry*. Tehran: Great Islamic Encyclopedia. <https://www.cgie.org.ir/fa/article>.
- Pakatchi, A. (2019). *Rahman Entry*. Tehran: Great Islamic Encyclopedia Center.

- <https://www.cgie.org.ir/fa/article>.
- Pakatchi, A. & Mir Hosseini, Y. (2011). *History of Hadith*. Tehran: Imam Sadeq University Theology Student Association.
- Qabel, H. (2009). *Quranic Writing in the Age of Revelation*. Bayenat Publishing House, (9).
- Rezapour, M. (1999). *Rifā'ah b. Rāfi'*. Tehran: The Great Islamic Encyclopedia.
- Ricoeur, P. (2005). History, Memory and Forgetfulness. *Goftego Publishing House*. 47-59.
- Ruholamini, M. (2003). *Philological Background*. Tehran: 'Aṭṭār Publishing House.
- Sa'īd b. Maṣūūr, A. 'U. (1983). *Sunan*. Edited by Habib al-Rahman al-Azami. India: Dār al-Salafīyyah.
- Schoeler, G. (2014). *The oral and the written in early Islam*. Translated by Nosrat Nilsaz. Tehran: Našr-e al-Hekmat.
- Sharifi, M. & Karimi, T. (1400 AH). Translating Meaning in Hadiths; Criteria and Indicators of Recognition. *Hadith and Thought Journal*. (32), 177-204.
- Shoghi, Dh. (2014). *History of Arabic Literature*, Translated by Alireza Dakavati Qaragazlu. Tehran: Amīr Kabīr Publishing House.
- Spit, M. (2015). *Will of Saad ibn Abi Waqas: The Development of a Narration*, Translated by Seyyedeh Zahra mohagheghian, Edited by Seyyed Ali Aghaei. Tehran: Našr-e-Hekmat. Book of Hadith History.
- Sternberg, R. J. (2019). *Cognitive Psychology*, Translated by Seyyed Kamal Kharrazi and Elahe Hejazi. Tehran: Samt.
- Ṭabarī, M. b. j. A. j. (1967). *Tārīk al-Rusul wa-l-Mulūk*. Beirut: Dār al-Turāt.
- Ṭayālīsī, A. D. (1998). *Mosnad*, Edited by Mohammad b. Abdul Mohsen al-Turki. Egypt: Dār Hījr.
- Tayyeb-Hosseini, S. M., Hakimian, A. M., Shirzad, M. H. & Shirzad, M. H. (2022). Etymology of the word mahr (marriage portion): A delve into the absence of the word from the Qur'anic lexicon. *Ketab Qayem*, 12(27), 7-23.
- Wāqidī, M. b. 'U. (1988). *al-Maghāzī*, Edited by Marsden Jones research. Beirut: Dār al-'Alamiyyah.
- Ya'qūbī, A. b. Ī. (n.d.). *Tārīk al-Ya'qūbī*. n.p. [n.p.]: Dār Ṣādīr.
- Zare Zardini, A. (2013). An Introduction to the Philosophy of Hadith. *Historical Studies of the Quran and Hadith*, 19, 9-98.
- Zarqānī, M. 'A. (n.d.). *Manāhīl al-'Irfān fī 'Ulūm al-Qur'ān*. n.p. [n.p.]: Kīttāb'at 'Īsā al-Bābī al-Ḥalabī wa-Šurakāh